

"مه آفرید خسروی"  
بخت برگشته ای که عزم سرش را دارند  
صداق زیباکلام

جهرمی در تهران و خاوری در کانادا راست، راست می چرخند و "مه آفرید خسروی" قرار است در اوین  
پیشمرگ آنها شود!

سرانجام پس از ماه‌ها صبر و دلپره و همان‌گونه که انتظارش هم می‌رفت دیوانعالی کشور حکم اعدام "مه  
آفرید امیر خسروی" متهم ردیف اول پرونده معروف به اختلاس ۳۰۰۰ میلیارد تومانی را تایید کرد و او از  
دیروز در انتظار لحظه‌ای است که به وی اطلاع دهند فردا او اعدام خواهد شد و وصیت‌نامه اش را نوشته،  
آخرین دیدار را با همسر و فرزندانش انجام داده و سپس به‌سوی چوبه دار گام برمی‌دارد.  
آقای مه‌آفرید امیر خسروی در حقیقت مدیرعامل و رئیس گروه امیرمنصور آریاست. یادمان می‌آید که  
ماجرای موسوم به اختلاس «سه هزار میلیارد تومانی» ظرف چندماه چه موجی در کشور به راه انداخته بود

از جمله پای جریان به اصطلاح «انحرافی» و آقایان خاوری و جهرمی روسای بانک ملی و صادرات هم به  
میان آمده بود. ظرف چند ماه حجم انبوهی مطالب پیرامون متهمان پرونده سه هزار میلیارد تومانی در  
مطبوعات، سایت‌ها و رسانه‌های دولتی و غیردولتی گفته و نوشته شد. آقای خاوری رئیس بانک ملی به  
کانادا گریخت و آقای جهرمی رئیس بانک صادرات به همراه یکی دو مسئول ارشد بانکی دیگر هم برکنار  
شدند و پس از ماه‌ها شایعات سرانجام دادگاه متهمان سه هزار میلیارد تومانی به صورت علنی با آب و تاب  
و سر و صدا و تبلیغات بسیار و زیر نور افکن و پروژکتور ده‌ها چراغ و دوربین فیلمبرداری تشکیل شد  
قوه قضاییه مصمم بود تا حداکثر بهره‌برداری تبلیغاتی و سیاسی‌ای را از جریان محاکمه سه هزار میلیارد  
تومانی ببرد. می‌خواست ضربه و لطمه اجتماعی و سیاسی را که ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی  
بر نظام و اعتبار آن وارد کرده بود با تبلیغات و سروصدا پیرامون دادگاه جبران نماید  
بنابراین دادگاه از همان ابتدا می‌خواست نشان داده شود که مفسدین اقتصادی بزرگ، توطئه‌گران، ستون پنجم  
دشمن، و این دست عوامل اکنون در پنجه عدالت گرفتار آمده‌اند و قوه قضاییه با شجاعت، با شهامت، با  
قدرت و اقتدار بدون ترس، بدون تذبذب، بدون اغماض و وا همه از این موجودات خطرناک، قدرتمند و  
خون‌آشام که سه هزار میلیارد تومان از بیت‌المال را خورده‌اند و برده‌اند به اعمال پلید آنان رسیدگی می‌کند  
و بعد هم بالطبع آنان را به اشد مجازات خواهد رساند تا همگان بفهمند که نظام قضایی ما چقدر پاک است،  
چقدر عاری از فساد است، چقدر مقتدر است و چگونه برای دفاع از بیت‌المال و بازپس گرفتن حقوق مردم  
از حلقوم آن عناصر پلید آنان را کیفر خواهد داد.

بیشترین هدف دادگاه در حقیقت مجاب کردن مردم کوچه و بازار بود که آن وصله‌ها و تهمت‌های  
ناجو انمر دانه‌ای که دشمنان به نظام وارد کرده بودند چقدر نادرست بوده. بنابراین تلاشی بود برای جبران  
مافات سیاسی.

در پایان هم همان‌گونه که انتظار می‌رفت با صدور احکام اعدام برای پنج متهم ردیف اول به اتهام «مفسد  
فی الارض» بودن، دادگاه به رسالت ملی، اسلامی و تاریخی خود پایان داد.

اما و با کمال تأسف و تأثر باید گفت که آن دادرسی بیش از آنکه برای کشف حقیقت و رسیدگی به عدالت باشد، اصراری بود برای اثبات گناهان کرده و ناکرده گروه امیرمنصور آریا و تطهیر دامن نظام از شایعات و مطالب ناروایی که بر سر زبان افتادن ماجرای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بوجود آورده بود.

بعد از صدور حکم اعدام در برخی از روزنامه‌ها و سایت‌ها یک خبر کوتاه آمده بود مبنی بر اینکه متهم ردیف اول یعنی آقای مه‌آفرید امیر خسروی یک لایحه دفاعیه مشتمل بر ۵۰ صفحه در دفاع از خود نسبت به اتهامات وارده تقدیم دادگاه کرده است. به علاوه نوشته‌ای در ۳۰ صفحه تقدیم به ریاست محترم قوه قضائیه کرده است بنده همان موقع در یادداشت کوتاهی نوشته‌ام مبنی بر اینکه ماه‌هاست حجم انبوهی از مطالب علیه متهمان گفته و نوشته شده. اما هیچ خبری از پاسخ آنان به این اتهامات وجود ندارد. الا مطالب جسته و گریخته و بریده و پراکنده‌ای که در جریان محاکمه به نقل از آنان در مطبوعات آمده بود.

مطالبی که اکثراً مطبوعات یا خبرگزاری‌ها به صورت ناقص آورده بودند و اطلاعات زیادی به خواننده نمی‌داد. بعد از چاپ آن یادداشت، برادر متهم ردیف اول یک نسخه از دفاعیه آقای مه‌آفرید امیر خسروی را که محکوم به اعدام شده بود را در اختیار بنده قرار داد. با کنجکاوی آن را خواندم. به دنبال آن بودم که دفاع وی از آن همه اتهامات چه بوده و چه نوشته بوده؟ مهم‌تر از آن، واقعا می‌خواستم بدانم متهم ردیف اول آن پرونده یعنی آقای مه‌آفرید امیر خسروی واقعا چه کسی بوده، چگونه به آن همه ثروت در فاصله ۲۰ سال رسیده و در عالم واقعیت چه کرده و چه نکرده است؟

من وارد جزئیات نمی‌شوم اما اگر حتی ثلث آنچه که وی در آن ۵۰ صفحه آورده درست باشد، در آن صورت او نه تنها جر می‌مرکب نشده، بلکه باید به وی نشان لیاقت برای خدمت به اقتصاد کشور نیز داده شود. اما در عمل وی محکوم به اعدام شده است.

البته دادگاه همان‌طور که گفتیم بیشتر قصدش سیاسی و اجتماعی و ارضاء افکار عمومی بود تا رسیدگی به اینکه واقعا چه اتفاقاتی افتاده و چه نیفتاده.

مه‌آفرید امیر خسروی بیش از دو دهه تلاش شبانه‌روزی داشته و توانسته با به راه‌اندازی ۲۲ شرکت فعال و قریب به ۱۷ هزار حقوق‌بگیر موفقیتی کم‌نظیر از خود برجای بگذارد.

نخستین نکته‌ای که توجه‌ام را جلب کرد این واقعیت بود که مه‌آفرید امیر خسروی از نظر استعداد، توان بالای مدیریتی و شم اقتصادی، داشتن ضریب هوشی فوق‌العاده چیزی در ردیف «بیل گیتس»، «استیو جابز»، «هنری فورد»، «حاج امین الضرب»، «حاج برخوردار» (صنایع پارس الکتریک را ایجاد کرده بود)، یا برادران خیامی که ایران خودرو را ایجاد کردند) است. انسان‌های با استعداد که در نظام‌های سرمایه‌داری اساس و پایه رشد و توسعه و نوآوری هستند.

این‌گونه نوابغ که به آنها «آنتروپرونر» یا «کار آفرین» می‌گویند اساساً کمتر اهل خلاف هستند و به هر کجا هم که می‌رسند موفقیت‌شان مرهون هوش و استعداد فوق‌العاده از یکسو و تلاش‌های خستگی‌ناپذیرشان از سوی دیگر می‌باشد.



روحیه آنان اساساً از زدوبند، اختلاس و کارهای خلافبری است. همه این خصوصیات در خصوص مه‌آفرید امیر خسروی به‌خوبی بارزی وجود دارد. برخلاف آنچه که علیه وی مطرح شده که اهل فساد بوده از فساد به‌دور بوده و اگر به‌جایی رسیده در سایه نبوغ و پشتکار بوده. به‌عنوان مثال، یکی از دستاوردهای ایشان در طی دو دهه‌ای که فعالیت داشته یعنی از اوایل دهه ۱۳۷۰ این بوده که چهار شرکت تولیدی دولتی زیان‌ده را از دولت خریداری می‌کند و بعد از مدتی سه‌تای آنها را سود ده می‌نماید. چهارمی را البته هنوز تحویل نگرفته بوده. او نه یک ریال از کشور خارج کرده و نه حاضر می‌شود که به‌موقع و در حالی که میلیاردها تومان در اختیارش بوده از کشور خارج شود. به‌علاوه و مهم‌تر از همه اینها حجم دارایی‌های وی چندین برابر بدهی‌های وی به سیستم بانکی کشور بوده است.

اتهام اصلی که به وی وارد شده و براساس آن حکم اعدام برای ایشان صادر شده، «اخلال در اقتصاد کشور» و «ارتکاب مفاسد اقتصادی» و در نتیجه «مفسد فی‌الارض» شناخته شده. معلوم نیست فردی که قریب به ۲۰ سال فعالیت اقتصادی می‌کرده، نه با دنبال خرید و فروش ارز بوده و نه خرید و فروش‌های دیگر بلکه صرفاً به دنبال تولید بوده و از جمله در صنایع غذایی، دامپروری، کشتین رادآهن و انرژی، یعنی در امور عمرانی و تولیدی مشغول بوده و توانسته ۱۷ هزار پرسنل را در واحدهای تولیدی‌اش به کار گیرد، چگونه و چه «اخلالی در اقتصاد کشور» کرده؟ جالب است که سه تن از اقتصاددانان سرشناس کشور آقایان دکتر بهمن پژویان، دکتر سهیلی‌پور و دکتر سبحانی عملکرد و فعالیت‌های گسترده مجموعه اقتصادی متهم را مطالعه کرده و هیچ فعالیتی که نشان دهنده قصد و غرض اخلال اقتصادی باشد در آن پیدا نکرده‌اند اما دادگاه اتهام «اخلال اقتصادی» را در مورد متهمان محرز تشخیص داده. آنچه که در صدور حکم اعدام از همه شگفت‌انگیزتر است، آن است که دادگاه با دادن یکسری «اطلاعات» به مراجع از آنان استفتاء می‌نماید که آیا کسانی که مرتکب چنین اموری شده‌اند، مصداق مفسد فی‌الارض نیستند؟ آنها هم با توجه به اطلاعاتی که بهشان داده شده می‌گویند که آری آنها مفسد بوده‌اند و دادگاه هم به عنوان مفسد برای آنان حکم اعدام صادر می‌نماید. صدور حکم اعدام و اساساً تلاش در محکومیت متهمان اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، در حقیقت هدفش پاسخ دادن و ارضاء کردن افکار عمومی بود که ببینند دادگاه چگونه با قاطعیت با آن مفسدین برخورد کرده. به بیان ساده‌تر، مه‌آفرید امیر خسروی دارد قربانی می‌شود تا افکار عمومی التیام پیدا کند. مهم نه حق است، نه عدالت. مهم آنست که دادگاه سعی دارد حتی فعالیت‌های مثبت اقتصادی او را هم مصداق ضرر به اقتصاد کشور تا به افکار عمومی پاسخ داده شود و به مردم الفاء شود که اگر فسادی صورت گرفته

و اگر مفسدی عملی انجام داده، ببینید ما برای دفاع از بیت المال و حقوق شما مردم چگونه مفسدین را معذور می‌کنیم.

متأسفانه چه در جامعه خودمان و چه در هر جامعه دیگری، محاکمات و دادگاه‌هایی که برای راضی کردن افکار عمومی برپا می‌شوند، به نحو حزن‌انگیزی ناعادلانه هستند، زیرا هدف دادرسی احقاق حق و کشف حقیقت نیست بلکه هدفش پاسخ دادن به افکار عمومی و درست‌تر گفته باشیم ارضاء کردن افکار عمومی است.